

بررسی اختلاف شهادت در بینه از لحاظ زمان در اثبات موضوعات غیر باب قضا

علی محمد مدقق^۱

چکیده

در این تحقیق حجیت بینه در فرض اختلاف شهادت شاهدان از جهت زمان یا حالت فعلی و سابق شیء مشهودبه، بررسی شده است. این مسئله یکی از فروع مهم حجیت قاعده بینه در دانش فقه است که در اثبات موضوعات احکام شرعی، نقش به سزایی دارد و احکام و آثار فقهی زیادی بر آن مترتب است. فرضیه تحقیق این است که در فرض اختلاف شهود تنها به لحاظ زمان، بینه حجیت و اعتبار دارد؛ اما اگر به لحاظ واقعه مشهودبه نیز اختلاف داشته باشد، اثبات حجیت آن مشکل است. نوشتار حاضر با روش تحلیلی و توصیفی به این موضوع پرداخته و جوابی تهیه شده برای این پرسش اصلی که آیا «بینه» در فرض اختلاف شهادت به لحاظ زمان، حجیت و اعتبار دارد یا خیر؟ البته تحقیق این مطلب و تنقیح آن در چارچوب مباحث قواعد فقهی می‌گنجد؛ زیرا مفاد بینه همواره یک حکم شرعی کلی است که در ابواب گوناگون فقه جاری می‌شود.

کلیدواژه‌ها: بینه، اختلاف شهادت، خبر واحد، وحدت واقعه، مشهودبه

۱. سطح ۳ فقه و معارف اسلامی، مدرس مدرسه علمیه اهل بیت^(ع)، غزنی، افغانستان

مقدمه

بینه در حوزه فقه و احکام اسلامی، اهمیت به‌سزایی دارد و از ارکان مهم اثبات دعوی به شمار می‌رود. در قانون‌گذاری اسلامی، مؤدای بینه همانند مؤدای سایر آمارات، به‌منزله واقع قرار داده شده است. بنابراین وقتی چیزی به‌وسیله بینه ثابت شود، همه آثار واقعی آن چیز بر آن مترتب می‌شود. در این میان یکی از مباحث موردتوجه و قابل‌بحث، حجیت بینه در فرض اختلاف داشتن شهادت شهود، در مقام ادای شهادت است. البته اختلاف داشتن شهادت دو شاهد، صورت و حالت‌های مختلفی دارد که همواره موردتوجه و دید فقیهان و محققان بوده است. یکی از آن صورت‌های اختلاف شهادت در بینه، اختلاف به لحاظ زمان است.

برخی از فقیهان و محققان دانش فقه، پس از تبیین اصل حجیت بینه در اثبات موضوعات، اعتبار بینه در فرض اختلاف شهادت شاهدان به لحاظ زمان را به‌عنوان یک فرع، در کتاب‌های فقهی استدلالی مطرح کرده‌اند؛ مانند سید محمدکاظم یزدی در کتاب عروة الوثقی در مبحث طرق اثبات نجاست، این فرع را بیان کرده است. همچنین دیگر فقها نیز پیرامون آن، آرا و دیدگاه‌هایشان را تبیین کرده‌اند. در این میان باید گفت که این فرع نیز مانند دیگر فروع فقهی، از اختلاف‌نظر و اختلاف دیدگاه فقها به دور نمانده است که تحقیق و بررسی جامعی را می‌طلبد.

پرداختن به تحقیق و بررسی حکم فقهی این فرع، تبیین آرا و اندیشه‌های فقیهان و همچنان برای روشن شدن زوایای ناپیدای این مسئله، لازم است این فرع مورد تحلیل و تجزیه بیشتر قرار گیرد. گرچه در این نوشتار بررسی و تحلیل اعتبار بینه در فرع مذکور، مسئله اثبات نجاست و طهارت محور قرار گرفته است؛ اما از آن جهت که اثبات نجاست و طهارت، به‌عنوان یکی از موضوعات فقهی لحاظ شده است، نتایج آن در تمام موضوعات قابل تسری و تعمیم است و از این لحاظ با دیگر موضوعات تفاوتی ندارد. پرسش اصلی در این تحقیق این است که آیا بینه در فرض اختلاف شهادت به لحاظ زمان، حجیت و اعتبار دارد یا خیر؟ پرداختن به پاسخ این پرسش، موجب طرح سؤال‌های فرعی دیگر است که نشئت گرفته و تحلیل یافته از پرسش

اصلی یا مرتبط با آن است. از این رو بحث و بررسی از آن‌ها اجتناب‌ناپذیر و ضروری است؛ مثلاً اختلاف شهادت شاهدان از لحاظ زمان با فرض انحصار حجیت در بینة، چه آثاری دارد؟ آیا با تعدد و اختلاف در واقعه مشهودبه، نیز در بینة اعتبار دارد یا لازم است واحد باشد؟ اگر واحد بودن واقعه مشهودبه ضروری است، ضابطه و معیار آن چیست؟ در فرض حجیت خبر واحد، در چه مواردی با فرض انحصار، تفاوت دارد؟ فرضیه تحقیق این است که در فرض اختلاف داشتن شهود تنها به لحاظ زمان، بینة حجیت و اعتبار دارد؛ اما اگر به لحاظ واقعه مشهودبه نیز اختلاف داشته باشند، اثبات حجیت آن مشکل به نظر می‌رسد. البته تحقیق این مطلب و تنقیح آن در چارچوب مباحث قواعد فقهی می‌گنجد؛ زیرا مفاد بینة همواره یک حکم شرعی کلی است که در ابواب گوناگون فقه جاری می‌شود. نوشتار حاضر با روش تحلیلی و توصیفی به این موضوع پرداخته است.

۱. مفاهیم

پیش از پرداختن به مباحث اصلی، لازم است مفاهیم تحقیق تبیین و تعریف شود.

۱-۱. شهادت

واژهٔ شهادت در لغت به معنای «خبر دادن از آنچه آن را دیده و معاینه کرده است؛ أصل الشَّهَادَةِ الإخبار بما شَاهَدَهُ وَشَهِدَهُ». (ابن اثیر، بی تا، ۲: ۵۱۴) در اصطلاح فقه و شرع نیز به همین معنای لغوی به کار رفته است که موضوع حکم تکلیفی و وضعی قرار می گیرد. البته اگر تعداد شاهدان، دو نفر یا بیشتر باشند، اصطلاحاً به آن بینه گفته می شود، چنان که در ادامه روشن خواهد شد.

۱-۲. مینه

بینه در لغت به معنای دلیل و برهان واضح و روشن آمده: «بینه عبارت است از دلالت واضح و روشن چه عقلی باشد یا حسی». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۵۶) در قرآن کریم نیز بینه به این معنا استعمال شده است. «حقیقتاً دلیل روشنی از طرف

پروردگارتان برای شما آمده است».^۱ چنان‌که در جای دیگر آمده است «ولی (همه این‌ها) برای آن بود که خداوند، کاری را که می‌بایست انجام شود، تحقق بخشد تا آن‌ها که هلاک (و گمراه) می‌شوند، از روی اتمام حجت باشند؛ و آن‌ها که زنده می‌شوند (و هدایت می‌یابند)، از روی دلیل روشن باشد».^۲ بنابراین بینه در لغت هر آن چیزی است که بدان، امر مبهمی روشن و آشکار گردد.

در اصطلاح فقها بینه عبارت است از: «شهادت و گواهی دو شاهد عادل از امری که ترتب حکم شرعی را در پی داشته باشد». (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹، ۲: ۱۱۱) در این‌که اطلاق بینه به دو شاهد عادل، از باب حقیقت شرعیه ثابت است یا نه، بین محققان اختلاف است. برخی بر این باورند که «بینه در لسان شرع انصراف دارد به دو شاهد عادل از باب انصراف مفهوم کلی به برخی مصادیق و افرادش». (علوی، ۱۴۲۱، ۱: ۳۵۹) یعنی اطلاق بینه در معنای مصطلح فقهی، از باب حقیقت شرعیه است.

۱-۳. موضوع

دو اصطلاح «موضوع» و «متعلق» که در علم فقه کاربرد فراوان دارد، هرچند هرکدام تعریف مشخص و جداگانه‌ای دارند؛ اما بسیار اتفاق می‌افتد که به‌جای همدیگر استعمال می‌شوند. مثلاً در قضیه فقهی «نوشیدن شراب حرام است»، «نوشیدن» که فعل شخص مکلف است، موضوع است و «شراب» هم متعلق حکم است و «حرمت» نیز حکم شرعی است؛ اما در مثل این قضیه: «آب مطهر است»، «آب» موضوع است و «مطهر/ پاک کننده» نیز حکم آن است، می‌بینیم که در این قضیه، متعلق وجود ندارد. (مشکینی، ۱۳۷۴: ۲۶۶)

مراد از «موضوع» در این نوشتار معنای عام آن است که شامل موضوع و متعلق اصطلاحی در فقه است؛ یعنی مراد اشیا، پدیده‌ها و مفاهیمی است که در لسان شریعت حکمی درباره آن‌ها بیان شده است، حال برای ما فرقی ندارد که این اشیا، پدیده‌ها و مفاهیم را در اصطلاح، فقها موضوع می‌نامند یا متعلق حکم. به‌طورکلی

۱. «قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ». (اعراف: ۷۳ و ۸۵)

۲. «وَلَكِنْ لَيَقْضَى اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَى مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ». (انفال: ۴۲)



ملاک این است که لفظی در فقه مصبّ حکم واقع شده و حکم فقهی به نحوی با آن ارتباط منطقی و علمی داشته باشد.

۲. اختلاف شهادت در بینه

اختلاف به معنای ضد اتفاق، برای دو چیزی متفاوت یا بیشتر از آن که باهم مساوی نباشند، به کار می‌رود؛ اما اختلاف شهادت در بینه، صورت و فروض مختلفی دارد؛ (۱) اختلاف از لحاظ واقعه مشهودّه مانند اینکه هر دو شاهد به نجس شدن لباس معین با خون شهادت دهند با این اختلاف که یکی از اصابت خون دماغ خبر دهد و از دیگری از اصابت خون مذبوح خبر دهد. این دو شهادت به لحاظ واقعه مشهودّه متفاوت است. (۲) از لحاظ مستند و سبب، مانند این که هر دو شاهد به نجاست لباس شهادت دهند با این تفاوت که یکی مستند نجاست را خون می‌داند و دیگری سبب نجاست را ادرار. (۳) اختلاف از لحاظ مکان، مانند گواهی دادن یک شاهد به تحقق بیع در مسجد و گواه دادن دیگری در خانه. (۴) اختلاف در زمان شهادت، مانند اینکه یکی شهادت دهد که ظرف در اول روز با خون اصابت کرد و نجس شد و دیگری شهادت دهد که ظرف در آخر روز با خون اصابت کرد و نجس شد.

البته صورت‌های اختلاف شهادت شهود در بینه، می‌تواند در یک مورد قابل جمع باشد و شهادت دو شاهد از چند لحاظ باهم اختلاف داشته باشد. آنچه به عنوان محور اصلی در این نوشتار مورد تحقیق قرار گرفته، اختلاف به لحاظ زمان است که ممکن است اختلاف به لحاظ واقعه مشهودّه نیز در ضمن آن قابل تصویر باشد.

۳. ضابطه وحدت واقعه مشهودّه در بینه

همه فقها در این امر که واقعه مشهودّه در «بینه» باید امر واحد باشد، به عنوان یک ضابطه و کبرای کلی اتفاق نظر دارند؛ زیرا ملاک در اعتبار بینه، به تعدد و تکرار شدن اخبار و شهادت دو شخص از یک واقعه و قضیه است و اگر واقعه مشهودّه متعدد باشد، صدق بینه منتفی است و از مصادیق خبر واحد می‌شود، نه بینه. برای آن که تکرار در جای صادق است که مشهودّه و مخبر بهی هر کدام از دو شاهد، واحد

باشد و هر دو از یک فعل خبر بدهند. (بحرانی، ۱۴۱۵، ۲: ۲۷۱) لیکن در چگونگی و تشخیص صغریات وحدت مشهود^۲، اختلاف دیدگاه، میان محققان و فقیهان وجود دارد که اختلاف در اصل مسئله را نیز در پی داشته است. بنابراین برای واضح شدن حکم مسئله، لازم است به صورت‌های وحدت مشهود^۲ اشاره شود.

ضابطه کلی در احراز وحدت مشهود^۲ در فرض اختلاف شاهدان در برخی خصوصیات این باشد که اگر شهادت شاهدان با وجود اختلاف، اتفاق و اتحاد پیدا کنند در امری که دارای وجود و ادراک مستقل باشد، حتی اگر آن امر مورد اتفاق، جزء تحلیلی و تضمینی هر کدام از شهادت شاهدان باشد همین مقدار در اعتبار بینة کافی است. لیکن با این شرط که آن جزء، دارای وجود و ادراک مستقل باشد، مانند جنس بدون فصل یا نوع بدون تشخیص نباشد که دارای وجود و ادراک مستقل نیست؛ (نراقی، ۱۴۱۵، ۱۸: ۴۰۹) یعنی صرف وحدت به لحاظ مدلول التزامی همچنان تنها اتحاد در موضوع کافی نیست، بلکه وحدت مشهود^۲ به لحاظ واقعه حسیه لازم است، البته وحدت در واقعه حسیه به لحاظ مدلول مطابقی هر دو شهادت لازم نیست. اگر از لحاظ مدلول تحلیلی و تضمینی، در واقعه حسیه اتحاد پیدا کنند که دارای ادراک مستقل باشد، کافی است.

به سخن بهتر در فرض اختلاف داشتن دو شاهد در بعضی خصوصیات «آن مورد اتفاق هر دو شاهد دو صورت دارد؛ گاهی دارای ادراک حسی و وجود مستقل از آن مورد اختلاف دارد [مانند اینکه هر دو خبر بدهند از افتادن قطره خون در ظرف، لیکن در جهت افتادن اختلاف دارند یکی می‌گوید خون از طرف راست داخل ظرف ریخت و دیگری می‌گوید از طرف چپ] گاهی آن مورد اتفاق هر دو شاهد، دارای ادراک حسی مستقل بدون از آن خصوصیت مورد اختلاف نیست [مانند این که هر دو از افتادنش نجس در ظرف خبر دهند، لیکن یکی می‌گوید آن شیء خون است و دیگری می‌گوید قطعه‌ای از میت است]. در فرض اول؛ ملتزم به حجیت بینة هستیم؛ زیرا واقعه حسیه، مورد اتفاق هر دو شاهد است و نسبت به آن تکاذب وجود ندارد و تکاذب نسبت به ادراک و خصوصیت زائد [جهت] است. در فرض دوم؛ ملتزم به عدم



حجیت بینه هستیم؛ زیرا واقعه حسیه که مورد اتفاق هردو شاهد باشد، وجود ندارد. آنچه مورد اتفاق تصور می‌شود، جامع بین بول و میته است و این دارای ادراک حسی مستقل و وجود مستقل نیست یا در ضمن بول موجود می‌شود یا در ضمن میته، در حالی که هر کدام مورد تکاذب و تنافی شاهدان است». (صدر، ۱۴۰۸، ۴: ۱۲۰)

۴. اختلاف در شهادت در فرض انحصار حجیت در بینه

به طور کلی شهادت دو شاهد در بینه به لحاظ زمان؛ سه صورت دارد: (۱) هردو شاهد به حالت فعلیه شیء شهادت دهند که تحقق بینه نسبت به حالت فعلیه آن شیء اتحاد زمانی پیدا می‌کند. (۲) هردو شاهد نسبت به حالت سابق شیء شهادت و گواهی دهند، مانند شهادت دادن به نجاست ظرفی در دیروز که شهادت بینه نسبت به حالت سابقشی اتحاد زمانی دارد (۳) شهادت دو شاهد به لحاظ زمان اختلاف داشته باشند؛ یکی نسبت به حالت فعلی شهادت دهد و دیگری نسبت به حالت سابق شیء؛ مثلاً یک شاهد به نجاست ظرف در دیروز شهادت دهد و دیگری به نجاست فعلی آن گواهی دهد.

فرض اول؛ شهادت بینه به نجاست فعلی شیء: حکم فرض اول روشن است. مسلماً بینه در این صورت حجیت دارد و قدر متیقن از حجیت بینه در موضوعات [نجاست] همین صورت است و نجاست فعلی با شهادت بینه ثابت می‌شود؛ زیرا ادله‌ای که برای حجیت بینه مورد استدلال گرفته است^۱ گرچه مورد این روایت باب قضا است. لیکن در سایر ابواب فقه از باب اولویت قطعیه حجیت بینه سرایت داده شده است (همدانی، ۱۴۱۶، ۸: ۷۸) و روایت مسعده از امام صادق^(ع) که در ذیل این روایت آمده^۲ و روایت عبدالله بن سلیمان از امام صادق^(ع) در رابطه به جن^۳ و

۱ مانند روایت نبوی «إِنَّمَا أَقْضَى بَيْنَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَالْأَيْمَانِ؛ همانا من در بین شما با بینه و قسم قضاوت می‌کنم». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۷: ۲۳۲)

۲ «وَالْأَشْيَاءُ كُلُّهَا عَلَى هَذَا حَتَّى يَسْتَبِينَ لَكَ غَيْرُ ذَلِكَ، أَوْ تَقُومَ بِهِ الْبَيِّنَةُ؛ یعنی تمام اشیا محکوم به حلیت و طهارت است تا زمانی که غیر آن روشن شود و یا بینه‌ای برخلاف اقامه شود». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۷: ۹۰)

۳ حضرت می‌فرماید: «كُلُّ شَيْءٍ لَكَ خَلَالُ حَتَّى يَجِيَنَّكَ شَاهِدَانِ يَشْهَدَانِ عَنْكَ أَنْ فِيهِ مَيْتَةٌ؛ یعنی هر چیزی برای شما حلال است تا این که دو شاهد برای شما شهادت بدهند که در آن میته و مردار افتاده». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۵: ۱۱۸)

سایر ادله‌ای که فقیهان در باب اصل حجیت بینه تمسک کرده‌اند. (موسوی خمینی، ۱۴۲۱، ۴: ۲۶۲) قدر متیقن از همه این ادله حجیت بینه در فرضی است که شهادت شهود در بینه اختلاف نداشته باشند و شهود نسبت به حالت فعلی، شهادت دهند. بنابراین در حجیت بینه در این فرض شکی وجود ندارد.

فرض دوم؛ شهادت بینه به نجاست شیء در گذشته؛ اگر هر دو شاهد به نجاست گذشته یک شیء شهادت دهند، با پذیرش اعتبار و حجیت بینه در موضوعات، یقیناً نجاست آن شیء در گذشته ثابت می‌شود. نسبت به اثبات نجاست فعلی آن شیء اگر بدانیم بعد از آن طهارتی بر آن عارض نشده است، نجاست آن روشن است؛ زیرا مدلول مطابقی بینه، نجاست سابق و مدلول التزامی آن نجاست فعلی است و دلالت التزامی بینه، مانند دلالت مطابقی آن حجت است. اگر بعد از زمان سابق، احتمال عروض مطهر وجود داشته باشد، اثبات نجاست فعلی آن شیء با شک در عروض مطهر، تنها با همان بینه ممکن نیست و حکم به نجاست فعلی نیاز به متمم دارد، متمم آن استصحاب است به بیان زیر:

در فرضی که احتمال عروض مطهر نسبت به شیء نجس وجود داشته باشد، با بینه به نجاست یک شیء در زمان سابق، با دلالت مطابقی بینه تنها نجاست سابق آن شیء در زمان گذشته ثابت می‌شود و با احتمال عروض مطهر، دلالت التزامی بینه در نجاست فعلی آن شیء منتفی است و اثبات نجاست آن شیء در زمان فعلی با ضمیمه کردن استصحاب در فرض فراهم بودن شرایط آن ممکن است.

با توجه به اینکه در اینجا، آن دورکنی که برای جریان استصحاب لازم است موجود است؛ یقین سابق به نجاست سابق که با شهادت بینه ثابت شده، وجود شک لاحق فعلی در بقای آن نیز هست؛ زیرا احتمال عروض مطهر وجود دارد. بنابراین می‌توان با تمسک به استصحاب، در زمان فعلی حکم به نجاست آن نمود. اشکال و شبهه‌ای که در جریان استصحاب مطرح شده است، در تمام نبودن رکن اول استصحاب و یقین سابق است.

اشکال در دلیل: بر استدلال فوق اشکال شده که مدلول و مفاد امارات از جمله بینه، حکم ظاهری است که در قبال حکم واقعی جعل شده است. با این فرض یقین



سابق به نجاست آن شیء فعلاً محقق نیست؛ زیرا متقین سابق از دو حال خارج نیست (۱) متقین حکم واقعی نجاست باشد؛ این احتمال، اول متقین نبود و یقین به ثبوت آن نداشتیم و مشکوک الحدوث است. (۲) متقین نجاست ظاهری باشد؛ گرچه این حکم با شهادت بینه در زمان سابق ثابت شده است. لیکن فعلاً، علم به ارتفاع آن داریم؛ چون مفاد بینه، حکم ظاهری است که متضمن ثبوت آن حکم، تنها در آن زمان سابق است، نه بیشتر. پس به صورت یقینی می دانیم حکم ظاهری فعلی به نجاست وجود ندارد. بنابراین استصحاب نجاست واقعی و ظاهری هردو ممکن نیست و نمی توان با تمسک به استصحاب، حکم به نجاست فعلی آن شیء کرد. تنها تمسک به استصحاب کلی قسم سوم ممکن است؛ یعنی استصحاب کلی نجاست که این نوع از استصحاب حجیت ندارد. (حکیم، ۱۴۱۶، ۱: ۴۶۱) بنابراین اثبات نجاست فعلی از راه جریان استصحاب ممکن نیست.

پاسخ از اشکال در دلیل: برای پاسخ از این اشکال، راه حل های متعدد و مختلفی ارائه شده است که به برخی از آن ها اشاره می شود:

اولاً: ثبوت حکم ظاهری، مقید به زمان خاصی نیست و وجود آن تنها در زمان سابق منحصر نیست، بلکه حکم ظاهری که مفاد اماره است، مماثل و مساوی با حکم واقعی است و مانند حکم واقعی استمرار دارد تا زمانی که دلیل معتبر برخلاف آن اقامه نشود. بنابراین رکن اول استصحاب تمام است و استصحاب نجاست سابق در زمان فعلی، درست است. (صدر، ۱۴۰۸، ۴: ۱۲۶)

ثانیاً: اثبات نجاست فعلی، منحصر به جریان استصحاب حکمی نیست، بلکه در فرض تمام نبودن رکن اول در جریان استصحاب حکمی، باز هم راهی دیگر برای حکم به نجاست فعلی وجود دارد و آن این که با تمسک به استصحاب موضوعی؛ یعنی اصل عدم عروض مطهر، موضوع برای ترتب حکم به نجاست فعلی محقق می شود. البته موضوعی که مرکب از دو جزء است؛ یکی حدوث نجاست سابق که باینه ثابت شده، دیگر عدم عروض مطهر که با استصحاب ثابت می شود. (صدر، ۱۴۰۸، ۴: ۱۲۶)



ثالثاً: برخی از محققان بر این باورند که اماراتی که شارع به عنوان حجیت شرعی جعل کرده است، به منزله علم هستند. با توجه به این مبنای اصولی، یقین سابق و رکن اول برای جریان استصحاب نجاست سابق آن شیء که با بینه ثابت شده، تمام است و اشکال در تمسک به استصحاب وجود ندارد. (حکیم، ۱۴۱۶، ۱: ۴۶۱) البته با این ضمیمه که مراد از یقین در ادله استصحاب مانند قول امام^(ع) که فرمود: «لا تتقض الیقین بالشک»، خصوص یقین وجدانی نباشد، بلکه اعم از یقین وجدانی و تعبدی و شامل تمام حجت‌های معتبر شرعی باشد؛ مانند بینه، قاعده ید، سوق مسلم و سایر امارات شرعیه. (سبزواری، ۱۴۱۳، ۱: ۴۳۴)

رابعاً: در باب حجیت استصحاب مبنای دیگر این است که در موضوع جریان استصحاب، یقین سابق شرط نیست و معتقد است که مفاد ادله استصحاب، اثبات ملازمه بین حالت سابق و فعلی است. بنابراین تنها حدوث حالت سابق در جریان استصحاب، کافی است و یقین فعلی به آن لازم نیست. (صدر، ۱۴۰۸، ۴: ۱۲۶) به سخن دیگر ما در باب استصحاب، برای «یقین» موضوعیت قائل نیستیم و آنچه در باب استصحاب، اهمیت دارد این است که در بقا، شک داشته باشیم، نه بقایی که ثبوت آن فعلاً مسلم باشد. در مانحن فیه چنین شکی داریم؛ یعنی شک داریم که آیا نجاستی که با بینه ثابت شده بود بقا دارد یا نه. در این صورت مانعی برای جریان استصحاب وجود ندارد و می‌توان آن حکم احتمالی و مشکوک البقا را استصحاب نمود. در نتیجه همان‌طور که در زمان سابق، لازم بود طبق آن اماره، عمل کنیم، در زمان لاحق هم به استناد استصحاب، بر طبق حالت سابق، عمل می‌کنیم؛ زیرا بین بقا و ثبوت، ملازمه شرعی است.

چنانکه روشن شد آنچه از کلمات محققان و راه‌حل‌های که در پاسخ از اشکال بیان شد، برخی از آن‌ها، پاسخ مبنایی و مبتنی بر مبنای خاصی است؛ مانند پاسخ سوم و چهارم، همچنان که اصل اشکال نیز مبتنی بر مبنای خاص بود؛ اما دو پاسخ اول و دوم با حفظ مبنای مستشکل، تمام است. به هر حال با تمسک به استصحاب حکمی یا موضوعی، حکم به نجاست فعلی ثابت می‌شود.



۵. اختلاف شهادت بینه به لحاظ زمان

این فرض سوم است که محور اصلی بحث این نوشتار است. نخست به صورت کلی و اجمال به مسئله اشاره می‌شود. در مرحله بعد به تجزیه و بررسی صورت‌های این مسئله و همچنان تبیین و تحلیل ادله آرای مطرح در مسئله و بیان دیدگاه مختار پرداخته می‌شود.

صورت‌های مسئله: این فرض دو صورت دارد: (۱) اختلاف شهادت دو شاهد به لحاظ زمان، با فرض عدم تعارض؛ به این بیان که یکی از دو شاهد به نجاست شیء در زمان سابق گواهی دهد و نسبت به حالت فعلی ساکت باشد و شاهد دوم به نجاست فعلی آن شیء خبر دهد. (۲) اختلاف شهادت شاهدان در بینه به لحاظ زمان، با فرض تعارض نسبت به زمان فعلی؛ یعنی شاهی که از نجاست حالت سابق یک شیء خبر داده، به طهارت فعلی آن شهادت دهد و شاهد دوم، به نجاست فعلی آن شهادت دهد. هرکدام از این دو صورت، همچنان که به لحاظ زمان اختلاف دارند، از لحاظ واقعه مشهوده، نیز ممکن است واحد باشند یا متعدد که به تفصیل هر یک پرداخته می‌شود:

۵-۱. اختلاف شهادت دو شاهد در فرض عدم تعارض

در این فرض که یکی از شاهدان به نجس بودن سابق یک شیء شهادت می‌دهد و شاهد دیگر به نجاست فعلی آن شهادت می‌دهد. اختلاف میان فقها در این صورت وجود دارد و به طور کلی دو دیدگاه از کلام فقها استفاده می‌شود؛ مانند سید یزدی در عروه در این فرع به وجوب اجتناب حکم کرده است، در حال که عده‌ای از فقها در ذیل کلام ایشان، آن را مورد اشکال قرار داده‌اند.

این اختلاف ناشی از این است که آیا واقعه مشهوده در این صورت وحدت دارد یا خیر؟ زیرا ممکن است همان‌گونه که شهادت به لحاظ زمان اختلاف دارد، به لحاظ واقعه مشهوده نیز اختلاف داشته باشد و واقعه مشهوده متعدد باشد. لازم است هرکدام از دو صورت، جداگانه و با طرح و تبیین دیدگاه‌های مطرح در مسئله بررسی شود.

۱-۱-۵. تعدد واقعه مشهودبه در بینه

در این فرضی علاوه بر اختلاف شهادت دو شاهد به لحاظ زمان، در واقعه مشهود به نیز اختلاف دارند مثلاً در شهادت دادن به نجاست ظرف، مشهود به نجاست هر کدام غیر از مشهودبه دیگری است. از ظاهر اطلاق کلام برخی فقها مانند سید یزدی به دست می‌آید که در این فرض بینه را معتبر می‌داند. (یزدی، ۱۴۰۹، ۱: ۷۶) چون ایشان به صورت مطلق حکم به وجوب اجتناب کرده است.

دلیل اعتبار بینه در اثبات موضوع: گرچه خود سید برای این دیدگاهش استدلال نکرده است؛ اما تنها دلیلی که برای این نظریه می‌توان اقامه کرد، همان اتحاد داشتن هر دو شهادت به لحاظ مدلول التزامی و لازم مشترک در اثر شرعی است. برای آنکه هر دو شهادت در این که حکم فعلی آن شیء وجوب اجتناب است، اتحاد دارند؛ زیرا لازمه شهادت به نجاست سابق به مقتضای استصحاب، نجاست فعلی ظاهری آن شیء است و لازمه شهادت به نجاست فعلی، نجاست فعلی واقعی آن شیء است. بنابراین لازم مشترک میان هر دو شهادت، وجوب فعلی اجتناب آن شیء است که در اخبار از آن حکم با هم اتحاد دارند.

اشکال بر دلیل اعتبار بینه: این دلیل برای حکم به وجوب اجتناب و اعتبار بینه تمام نیست؛ زیرا:

اولاً: چنانکه گذشت در اعتبار بینه لازم است که واقعه مشهودبه واحد باشد و آن واقعه واحد، محکی به بینه باشد و در فرض تعدد واقعه، بینه صادق نیست. «چون محکی و مشهودبه هر کدام از شهادت شاهدان، متفاوت و جداگانه است و محکی به بینه نیست، بلکه در حقیقت با فرض تعدد واقعه، مشهودبه، محکی، به خبر واحد است نه بینه». (حکیم، ۱۴۱۶، ۱: ۴۵۹)

ثانیاً: بینه در اثبات نفس حکم کلی اعتبار ندارد؛ زیرا از آنچه در باب اصل حجیت و اعتبار بینه ثابت شده است، اعتبار بینه در موضوعات خارجی است و محکی در بینه باید حسی باشد، نه حدسی که متوقف بر فهم است. پس مفاد بینه در مستند و سبب نجاست اعتبار دارد نه در اثبات نفس حکم و آنچه در اعتبار بینه لازم است، تعدد



حکایت از موضوع واحد خارجی و واقعه شخصیه است تا تعدد در اخبار از مخیر به واحد، صدق کند؛ اما تعدد به لحاظ مدلول التزامی، نافع نیست؛ زیرا مورد حجیت بینه، تنها در موضوع حکم است نه خود حکم. به سخن دیگر اصلاً مدلول التزامی و حکم، مشهود به نیست تا بینه اعتبار داشته باشد. بنابراین دیدگاه اعتبار بینه، در فرض تعدد واقعه مشهود به تمام نیست و نمی توان به آن معتقد شد.

۵-۲. اتحاد واقعه مشهود به در بینه

در صورتی که شهادت شاهدان در وقوع نجاست، به لحاظ زمان اختلاف داشته باشد؛ اما واقعه مشهود به در بینه واحد باشد؛ مثلاً در شهادت دادن به نجاست ظرف با اختلاف در زمان تحقق نجاست، مشهود به واحد است؛ مانند شهادت دادن یکی به نجاست ظرف با خون در دیروز و شهادت دادن دیگری به نجاست آن ظرف با آن خون در امروز. پس به صورت اجمال، در یکی از دو زمان نجاست با بینه ثابت است. این فرض چند صورت دارد: (۱) علم داشتن به عدم عروض مطهر بعد از شهادت نخست. (۲) علم داشتن به عروض مطهر بعد از شهادت نخست. (۳) احتمال عروض مطهر بعد از شهادت نخست (بین دو زمان).

صورت اول: در صورتی که علم داریم به اینکه با فرض اختلاف شاهدان در زمان وقوع نجاست بعد از شهادت شاهد نخست تا زمان شهادت شاهد دوم در فاصله میان این دو زمان، طهارتی بر آن عارض نشده است. بدون شک نجاست آن شیء و وجوب اجتناب فعلی از آن شیء، با بینه ثابت می شود و برای ثبوت نجاست فعلی نیاز به جریان استصحاب هم نیست؛ زیرا علم وجدانی پیدا می کنیم به تحقق و بقای نجاستی که جامع بین دو زمان سابق و فعلی است. (خویی، ۱۴۱۸، ۲: ۱۸۹؛ صدر، ۱۴۰۸، ۴: ۱۲۷) یعنی با توجه به این که واقعه، مشهود به واحد است وجدانا می دانیم که نجاست در (یکی از دو زمان باینه) بین این دو زمان محقق شده و از طرفی چون علم به عدم عروض طهارت داریم، پس آن نجاست فعلاً هم باقی است. نجاست فعلی آن شیء، لازمه مدلول التزامی شهادت سابق و مدلول مطابقی شهادت فعلی است. بنابراین اثبات نجاست فعلی نیاز به استصحاب نجاست ندارد.

صورت دوم: در صورتی که در فاصله بین دو زمان شهادت احتمال عروض طهارت وجود داشته باشد؛ یعنی شک در عروض مطهر داشته باشیم و ندانیم که آیا در این فاصله، آن شیء پاک شده است یا خیر؟ این فرض از دید فقها مورد اختلاف است. برخی فقها شهادت بینه را معتبر می‌دانند و حکم به ثبوت نجاست کرده و معتقدند که با ضمیمه‌ای اصل استصحاب، نجاست فعلی ثابت می‌شود. در مقابل برخی مانند سید حکیم بینه را فاقد اعتبار دانسته و جریان اصل استصحاب را نیز ناتمام می‌دانند که در ادامه به استدلال هر کدام از دو طرف نزاع پرداخته می‌شود.

دلیل قائلین به نجاست مشهود به: کسانی که به اثبات نجاست حکم کرده‌اند، (تبریزی، ۱۴۲۶، ۲: ۲۹۶) مدرک آن را استصحاب قرار داده‌اند و تمسک به اصل استصحاب، به دو تقریب بیان شده است:

تقریب اول، تمسک به استصحاب حکمی: این تقریب از بیان آقای خویی استفاده می‌شود که این مورد را از موارد جریان استصحاب کلی قسم دوم می‌داند. (خویی، ۱۴۱۸، ۲: ۱۹۰) با این بیان که ما یقین داریم که کلی نجاست محقق شده یا در زمان سابق یا در زمان فعلی؛ اما احتمال عروض مطهر بین دو زمان می‌رود. لذا شک به وجود می‌آید که اگر نجاست در زمان سابق محقق شده باشد، بقای نجاست مشکوک است و اگر در زمان فعلی بعد از عروض مطهر محقق شده، پس یقیناً باقی است؛ یعنی مردد بین مشکوک البقا و متیقن البقا است، با آنکه در اصل تحقق نجاست شکی وجود ندارد. این از موارد استصحاب کلی قسم دوم است که در این قسم نسبت به کلی و جامع استصحاب جاری می‌شود.

تقریب دوم، تمسک به استصحاب موضوعی: شهید صدر با اینکه استصحاب حکمی را تمام می‌داند، می‌نگارد که در این فرض که احتمال عروض مطهر بین دو زمان می‌رود با استصحاب موضوعی عدم عروض مطهر، این احتمال برداشته می‌شود (صدر، ۱۴۰۸، ۴: ۱۲۷) و با ارتقاع این احتمال دیگر برای اثبات حکم به نجاست فعلی مانعی وجود ندارد چون با قطع نظر این احتمال یقیناً علم به تحقق نجاست به یکی از دو زمان داریم.



این دو تقریب هردو تمسک به استصحاب موضوعی و حکمی است و هردو تقریب تمام است. لیکن از لحاظ درجه و اعتبار تمسک به استصحاب موضوعی مقدم است بر استصحاب حکمی.

دلیل قائلین به عدم نجاست مشهود^۱: در مقابل کسانی که این دیدگاه را نمی‌پذیرند و تمسک به جریان اصل استصحاب را در این فرض مورد خدشه قرار داده‌اند. البته آنچه از کلام سید حکیم در مستمسک استفاده می‌شود، اشکال به تقریب اول است. ایشان در فرضی که شهادت دو شاهد به نجاست یک شیء از لحاظ زمان اختلاف داشته باشد،^۱ می‌نگارد: «در این فرض یقین به نجاست سابق متحقق نیست و تنها یقینی که وجود دارد یقین اجمالی [مردد بین دو زمان گذشته و فعلی] است و یقین اجمالی در صورتی مصحح استصحاب آن امر اجمالی است که بنابر تمام احتمالات مشکوک البقا باشد و امر اجمالی تنها نسبت به یکی از احتمالات معین، مصحح استصحاب نیست. چون نسبت به یکی از احتمالات معین، یقین محقق نیست». (حکیم، ۱۴۱۶، ۱: ۴۶۰)

یعنی یقین اجمالی در صورتی برای جریان استصحاب کارساز است که بخواهیم نسبت به تمام احتمالات، آن متیقن و امر اجمالی را استصحاب کنیم، نه در فرضی که نسبت به یکی از احتمالات معین استصحاب را جاری نماییم. مثلاً در فرض بحث ما، استصحاب نجاست که متیقن اجمالی است، نسبت به زمان فعلی درست نیست؛ زیرا نسبت به زمان فعلی یقینی وجود ندارد و یقین که متحقق است، اجمالی و مردد بین زمان سابق و زمان فعلی است. بنابراین یقین اجمالی در این فرض مصحح استصحاب نجاست نیست.

در رابطه با تقریب دوم، از کلام سید حکیم چیزی استفاده نمی‌شود؛ اما یکی از اساتید برجسته (استاد سید مدقق موسوی)، بنابر آنچه از ایشان توسط شاگردانش نقل می‌شود و در جلسه درسی خود ایراد کرده علاوه بر آنکه اشکال سید حکیم را بر تقریب اول وارد می‌داند، تقریب دوم را نیز تمام نمی‌داند؛ زیرا تمسک به استصحاب

۱. مثلاً یک شاهد از نجاست ظرف با خون در گذشته خبر دهد و دیگری از نجاست فعلی آن ظرف با آن خون.

موضوعی (استصحاب عدم عروض مطهر)، اصل مثبت می‌شود. چون استصحاب عدم مطهر، به استصحاب عدم المانع برمی‌گردد؛ یعنی ما شک داریم که مانع نسبت به تحقق بینه وجود دارد یا نه؟ و نتیجه استصحاب عدم مطهر این می‌شود که مانعی وجود ندارد. لذا بر این استصحاب مستقیماً اثر شرعی مترتب نمی‌شود؛ زیرا اثر شرعی مال بینه است. بنابراین در فرض بحث، تمسک به استصحاب به هر دو قسم آن تمام نیست.

آنچه به نظر نگارنده قابل اختیار و درست است، این است که اشکال به هر دو تقریب وارد نیست. به تقریب اول اشکال وارد نیست؛ زیرا فرض ما در این است که مشهود به در بینه واحد است؛ یعنی هر دو شاهد از یک واقعه خبر می‌دهند، تنها اختلاف در زمان است که اختلاف در زمان و برخی خصوصیات با واحد بودن واقعه مشهود به مضر به تحقق و اعتبار بینه نیست. بنابراین با بینه یقین به نجاست در یکی از دو زمان محقق است و اشکال به عدم تحقق متیقن درست نیست؛ اما با توجه به اینکه احتمال می‌رود مطهر بین دو زمان عارض شده باشد، از این جهت آن متیقن و کلی نجاست بنا به یک احتمال مشکوک البقاء است [تحقق نجاست در گذشته] و بنابر احتمال دیگر متیقن البقا است [تحقق نجاست در زمان بعدی، بعد از احتمال عروض مطهر] از این لحاظ شک فعلی در بقای متیقن به وجود می‌آید و در استصحاب کردن چنین متیقنی مشکل به نظر نمی‌رسد و جریان استصحاب تمام است.

اشکال به تقریب دوم نیز وارد نیست؛ زیرا اولاً در این فرض استصحاب عدم عروض مطهر بر شیء معین اصل مثبت نمی‌شود، چون اثر شرعی که همان نجاست شیء معین باشد، مستقیماً بر آن مترتب می‌شود و واسطه وجود ندارد. به سخن دیگر موضوع برای ترتب حکم به نجاست، مرکب از دو جزء وجودی و عدمی است؛ یکی تحقق بینه به ثبوت نجاست و دیگر عدم عروض مطهر. جزء اول و تحقق بینه وجدانی است تنها مردد بین دو زمان است و احتمال عروض مطهر تنها در فرضی داده می‌شود که بینه نسبت به زمان گذشته تحقق یافته باشد که این احتمال با اصل



عدم آن برداشته شده و اثر نجاست مستقیماً بر خود شیء مترتب می‌شود.

ثانیاً در حجیت و عدم حجیت اصل مثبت اختلاف است؛ برخی از محققان معتقدند، در صورتی که واسطه عقلی و عادی در ترتب اثر شرعی خفی و پنهان باشد یا بین مستصحب و اثر شرعی ملازمه باشد، اصل مثبت حجت است (محقق خراسانی، ۱۴۰۹: ۴۱۶) که به نظر می‌رسد با پذیرفتن اصل مثبت در این فرض، استصحاب عدم مطهر از مواردی خفی و پنهان بودن واسطه یا از مواردی است که بین عدم عروض مطهر و نجاست شیء تلازم عرفی است. حتی برخی اصل مثبت را مطلقاً حجت می‌دانند و در مواردی که ترتب آثار شرعی بر مستصحب دارای واسطه عقلی و عادی قطعی باشد، خواه واسطه پیدا باشد و خواه پنهان فرق نمی‌گذارد. (حیدری، ۱۴۱۲: ۲۸۳) بنابر پذیرش مبانی تقریب دوم حتی اگر اصل مثبت را در پی داشته باشد، تمام است و اشکال بر آن وارد نیست.

صورت سوم (علم به عروض مطهر): اگر بدانیم در فاصله‌ای میان دو زمان، مطهری عارض شده است. مثلاً شاهد اول به نجس بودن شیء معین در اول روز شهادت بدهد و شاهد دوم به نجاست همان شیء در آخر روز شهادت بدهد و از طرفی بدانیم که در فاصله میان این دو زمان، مطهری نسبت به آن شیء محقق شده است. این صورت از موارد توارد و تعاقب حالتین است و در توارد حالتین دو اصل با هم متعارضند و هر دو از اعتبار ساقط می‌شود.

بنابراین با فرض تعارض دو استصحاب مرجع، قاعده طهارت جاری می‌شود؛ چنان‌که خویی می‌نگارد: «در صورتی که ما علم به عروض مطهر داشته باشیم در نجاست آن شیء، شک فعلی به وجود می‌آید؛ زیرا اگر کلی نجاست با شهادت بینه در اول روز محقق شده باشد، پس الآن یقیناً مرتفع شده است و اگر در آخر روز محقق شده الآن قطعاً باقی است، گرچه استصحاب جامع نجاست از نوع استصحاب کلی قسم دوم قابل تطبیق و جریان است، ولی این استصحاب، مواجهه با معارض است؛ زیرا با این احتمال که نجاست در پایان روز محقق شده باشد، شک در بقای طهارت نیز به وجود می‌آید و با شک در بقای طهارت، استصحاب بقای آن نیز قابل جریان

است. این استصحاب با استصحاب بقای نجاست تعارض دارند و تساقط می‌کند در نتیجه مرجع برای حکم مشهود به قاعده طهارت است». (خویی، ۱۴۱۸، ۲: ۱۹۰)

۵-۳. اختلاف بین به لحاظ زمان با فرض تعارض

در فرضی که یک شاهد به نجاست فعلی و دیگری شهادت بدهد به نجاست سابق با خبر دادن از طهارت فعلی آن شیء شهادت دهد. این فرض دو صورت دارد:

صورت اول: شاهدهی که به نجاست فعلی خبر می‌دهد، نسبت به حالت سابق ساکت است. در این صورت با فرض وحدت واقعه مشهود به، تحقق بین نسبت به ثبوت جامع نجاست، ثابت است و حکم به نجاست فعلی آن صحیح است؛ اما شهادت به طهارت فعلی، چون خبر واحد است، حجیت و اعتبار ندارد. (خویی، ۱۴۱۸، ۲: ۱۹۲ و صدر، ۱۴۰۸، ۴: ۱۲۸)

صورت دوم: در صورتی که شاهد اول با آنکه شهادت به نجاست فعلی می‌دهد، به نجاست سابق آن نیز شهادت بدهد، این فرض مثل شهادت دادن هر دو شاهد به نجاست سابق است و در ارتفاع و عدم ارتفاع آن نجاست اختلاف دارد، با توجه به اینکه در محل اختلاف، شهادت هر کدام مصداق خبر واحد است، اعتبار ندارد و با استصحاب نجاست سابق حکم نجاست فعلی آن ثابت می‌شود. (حکیم، ۱۴۱۶، ۱: ۴۶۳)

۵-۳-۱. فرض عدم انحصار حجیت در بین

در صورتی که حجیت و طریق اثبات موضوعات (نجاست) منحصر در بین نباشد، بلکه با خبر عدل واحد نیز قابل اثبات باشد و شارع مقدس آن را در کشف موضوعات حجت قرار داده باشد، احکام هر کدام از صورت‌های مسئله در برخی موارد تفاوت پیدا می‌کند که در ذیل به توضیح آن پرداخته می‌شود.

در صورتی که هر دو شاهد به نجاست فعلی شیء شهادت دهند، نجاست با اخبار عدل واحد ثابت می‌شود؛ اما در صورتی که دو شاهد به نجاست سابق در زمان معین شهادت بدهند، نیز حکم نجاست ثابت است. البته در صورتی که احتمال عروض مطهر بعد از آن زمان معین سابق وجود داشته باشد، با تمسک به



استصحاب می‌توان نجاست را اثبات کرد. حکم این دو صورت در فرض حجیت خبر واحد نیز با بینه تفاوتی ندارد. لذا مجال و زمینه‌ای بحث باقی نمی‌ماند؛ اما در فرض اختلاف داشتن شهادت در بینه به لحاظ زمان، صورت‌های مختلف متصور است که بررسی می‌شود.

۵-۳-۲. عدم تعارض شهادت شاهدان

برای این فرض چند حالت متصور است که در ذیل به هر یک پرداخته می‌شود:

الف. تعدد واقعه: در این فرض نجاست ثابت می‌شود؛ به اعتبار حجیت خبر عدل واحد در موضوعات. چون هر دو شاهد خبر از نجاست می‌دهند یکی از حالت فعلیه و دیگری از حالت سابقه و هر دو باهم تعارض ندارند و تنها اختلاف در زمان دارد که با فرض تعدد واقعه سبب تعارض نمی‌شود.

ب. وحدت واقعه: در صورتی که واقعه مشهود به واحد باشد، در کلام فقها اختلاف دیدگاه مشاهده می‌شود:

آیت‌الله تبریزی: در صورت علم داشتن به عروض مطهر بعد از شهادت نخست، از قبیل توارد حالتین است؛ زیرا امر دایر است بین اینکه مطهر بعد از نجاستی که مشهود به در شهادت دو شاهد است، واقع شده یا قبل از آن و شک در تقدم و تأخر هر کدام است. در نتیجه دو استصحاب متعارضند؛ استصحاب نجاست با استصحاب مطهر. بنابراین در این صورت نمی‌توان حکم به نجاست فعلی کرد و مرجع قاعده طهارت است. (تبریزی، ۱۴۲۶، ۲: ۲۹۶)

آیت‌الله خویی: ایشان بعد از آن که در هر سه صورت حکم به ثبوت نجاست کرده، تحقق تعارض را نیز ممکن می‌داند. چنانکه در تنقیح نقل شده است: «مگر این که از ناحیه واحد بودن واقعه مشهود به بین دو شهادت تعارض واقع شود؛ زیرا محال است که یک واقعه در دو زمان تحقق پیدا کند. بنابراین هر دو شاهد نافی همدیگرند و بین دو شهادت تعارض شکل می‌گیرد و تساقط می‌کند و بعد از تساقط مرجع قاعده طهارت است»؛ (خویی، ۱۴۱۸، ۲: ۱۹۱) چون ادله اعتبار خبر واحد صورت تعارض را شامل نمی‌شود.



دیدگاه مختار: به نظر می‌رسد اگر مورد اتفاق در وجود و ادراک مستقل باشد، اختلاف در بعضی خصوصیات مشکل ندارد و تنها آن خصوصیت مورد اختلاف ثابت نمی‌شود؛ اما آنچه مورد اتفاق است، ثابت می‌شود؛ مانند اینکه یکی شهادت بدهد از اصابت خون به لباس در دیروز و دیگری شهادت بدهد از ملاقات خون در این روز. این دو شهادت از لحاظ زمان با هم متعارض است و تساقط می‌کند؛ اما در اصل اصابت خون در لباس که دارای ادراک وجود مستقل است، با هم متعارض نیست. پس نفس اصابت بدون خصوصیت زمان، ثابت می‌شود؛ اما در صورتی که مورد اتفاق دارای وجود مستقل نباشد، ثابت نمی‌شود؛ مانند اینکه یکی شهادت بدهد از اصابت خون در لباس اول شب و دیگری خبر دهد از ملاقات بول به لباس آخر شب. در این صورت نجاست ثابت نمی‌شود؛ زیرا جامع بول و خون وجود مستقل از هر کدام ندارد. یا در ضمن بول یا در ضمن دم محقق می‌شود و هر کدام بول و خون مورد تخطئه و تنافی شاهدان واقع شده است.

۴-۵. اختلاف شهادت در بینه با فرض تعارض

در صورتی که یک شاهد به نجاست فعلی یک شیء شهادت بدهد و دیگری به نجاست سابق آن شهادت بدهد، با خبر دادن از طهارت فعلی آن شیء؛ (یعنی که قبلاً نجس بود، ولی الآن طاهر است)، دو صورت دارد: ۱) واقعه مشهود به واحد است، ۲) واقعه مشهود به متعدد است.

۴-۵-۱. وحدت واقعه مشهود به

این صورت نیز دو حالت دارد؛ زیرا شاهی که از نجاست فعلی خبر می‌دهد ۱) نسبت به حالت گذشته ساکت باشد و ۲) با شهادت به نجاست فعلی از طهارت گذشته شیء، نیز خبر دهد.

در فرض اول اگر شهادت در بینه نسبت به حالت و زمان فعلی شیء مشهود به متعارض و واقعه مشهود به نیز واحد باشد، در مقام نخست بیان شد که نجاست فعلی ثابت می‌شود؛ اما بنابر اعتبار خبر عدل واحد، نیز حکم به نجاست فعلی مشهود به تمام است و مشکلی ندارد. چون هر دو شهادت در تحقق جامع نجاست



با هم اتفاق دارد و تنها نسبت به زمان فعلی با هم متعارضند و تساقط می‌کنند و بعد از تساقط، جامع نجاست که با بینه ثابت شد، استصحاب می‌شود. تنها معارضی که در مقابل جریان استصحاب متصور است، شهادت به طهارت فعلی است، لیکن از این جهت که شهادت به طهارت فعلیه با شهادت به نجاست فعلی متعارض است، تساقط می‌کند. بنابراین حاکم یا معارضی نسبت به استصحاب نجاست وجود ندارد. (تبریزی، ۱۴۲۶، ۲: ۱۹۱) در فرض دوم اگر شاهدهی که به نجاست فعلی شهادت می‌دهد و از طهارت سابقه نیز خبر دهد، تعارض شکل می‌گیرد و نجاست فعلی ثابت نمی‌شود و مرجع قاعده طهارت است. (خویی، ۱۴۱۸، ۲: ۱۹۱)

۵-۴-۲. عدم وحدت واقعه

در صورتی که شاهدان در واقعه مشهودبه اختلاف داشته باشند، حکم نجاست فعلی ثابت نمی‌شود؛ زیرا هر دو نسبت به حالت و زمان فعلی متعارض است و با فرض تعدد واقعه، جامع نجاست نیز ثابت نیست تا استصحاب شود. پس نمی‌توان حکم به نجاست فعلی مشهودبه کرد. (صدر، ۱۴۰۸، ۴: ۱۲۹)

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه در این نوشتار بررسی و تحلیل شد، نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱. معیار احراز وحدت مشهودبه در بینه با فرض اختلاف داشتن شهود این است که اگر شهادت شاهدان با وجود اختلاف، در امری که دارای وجود و ادراک مستقل باشد، اتفاق و اتحاد پیدا کنند، حتی اگر آن امر مورد اتفاق، جزء تحلیلی و تضمینی هر کدام از شهادت شاهدان باشد، همین مقدار در اعتبار بینه کافی است. در مواردی که مشهودبه، متعدد و مختلف باشد حکم مشهودبه ثابت نمی‌شود.
۲. با تحقق بینه نسبت به حالت سابق شیء مشهودبه، نجاست سابق و فعلی مشهودبه نیز ثابت می‌گردد.

۳. با اختلاف شهادت شاهدان به لحاظ زمان و با فرض عدم تعارض در صورتی که واقعه مشهودبه متعدد باشد، بینه اعتبار ندارد و حکم مشهودبه ثابت نمی‌گردد؛



اما در صورتی که واقعه مشهودبه واحد باشد، صرف اختلاف به لحاظ زمان مانع از حجیت بینه نیست و حکم مشهودبه با بینه ثابت می‌شود. مگر در صورت توارد حالتین.

۴. اختلاف شاهدان به لحاظ زمان و با فرض تعارض، حکم کلی مشهودبه قطع نظر از خصوصیت زمان ثابت می‌شود.

با اختلاف شاهدان در فرض حجیت خبر واحد و عدم تعارض آن دو، حکم مشهودبه ثابت می‌شود چه واقعه مشهودبه واحد باشد چه متعدد، حتی در صورت توارد حالتین؛ اما با فرض تعارض داشتن شهادت دو شاهد، در صورتی که واقعه مشهودبه واحد باشد، حکم کلی و مورد اتفاق هر دو شاهد بدون خصوصیت زمان، ثابت می‌شود؛ اما اگر واقعه مشهودبه متعدد باشد، حکم مشهودبه به جهت تعارض ثابت نمی‌شود.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن اثیر، مبارک، (بی تا)، *النهاية في غريب الحديث والاثار*، قم: نشر اسماعيليان.
۲. بحرانی، محمد سند، (۱۴۱۵ ق)، *سند العروة*، قم: انتشارات صحفى.
۳. تبریزی، جواد، (۱۴۲۶ ق)، *تنقيح مبانى العروة*، قم: دارالصدیقة الشهيدة^(س).
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، *وسائل الشيعة*، قم: مؤسسه آل البيت^(ع).
۵. حکیم، سید محسن، (۱۴۱۶ ریال)، *مستمسک العروة الوثقى*، قم: مؤسسه دارالتفسیر.
۶. حیدری، علی نقی، (۱۴۱۲ ق)، *اصول الاستنباط*، قم: لجنة ادارة الحوزة العلمية.
۷. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۸ ق)، *التنقيح في شرح العروة الوثقى*، قم: تحت اشراف آقاى لطفى.
۸. راغب اصفهانی، حسین، (۱۴۱۲ ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دار العلم - الدار الشامیة.
۹. سبزواری، سید عبد الأعلى، (۱۴۱۳)، *مهذب الأحكام*، قم: مؤسسه المنار.
۱۰. صدر، سید محمدباقر، (۱۴۰۸ ق)، *بحوث في شرح العروة الوثقى*، قم: مجمع الشهد آية الله الصدر العلمی.
۱۱. علوی، سید عادل، (۱۴۲۱ ق)، *القول الرشيد في الاجتهاد والتقليد*، قم: انتشارات کتابخانه و چاپخانه آية الله مرعشى نجفى.
۱۲. کاشف الغطاء، محمد حسین، (۱۳۵۹ ق)، *تحریر المجله*، نجف: المكتبة المرتضوية.
۱۳. محقق خراسانی، محمد کاظم، (۱۴۰۹ ق)، *کفاية الاصول*، قم: آل البيت عليهم السلام.
۱۴. مشکینی، علی، (۱۳۷۳)، *اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها*، قم: بی نا.
۱۵. موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۴۲۱ ق)، *کتاب الطهارة*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر امام.
۱۶. نراقی، احمد بن محمد، (۱۴۱۵ ق)، *مستند الشيعة*، قم: آل البيت عليهم السلام.
۱۷. همدانی، آقا رضا، (۱۴۱۶ ق)، *مصباح الفقيه*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۸. یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۰۹ ق)، *العروة الوثقى*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

